

تحلیل بخش اقتصاد زیرزمینی

(عوامل مؤثر، آثار و نتایج آن و ارائه پیشنهاد)

مهران افراسیابی
کارشناس ارشد اقتصاد، اداره کل امور اقتصادی و دارایی استان هرمزگان

اقتصاد زیرزمینی (مفاهیم و چارچوب ها)

از ویژگی های اقتصاد ایران حجم گسترده اقتصاد زیرزمینی آن است. بر مبنای برآوردهای مختلف سهم اقتصاد زیرزمینی ۳۰ تا ۵۰ درصد از کل اقتصاد اعلام شده است. اقتصاد زیرزمینی فعالیت هایی است که به صورت قانونی و غیرقانونی انجام می شوند، و به دلیل این که گزارش نمی شوند و در هیچ جایی ثبت نمی شوند، اندازه گیری نشده و در فهرست تولید ناخالص داخلی وارد نمی شوند. به عبارت دیگر اقتصاد زیرزمینی مجموعه ای از فعالیت های اقتصادی، اعم از تولید کالاها یا خدمات، است که دور از چشم مأموران دولتی و در شرایط احتراز و گریز از قوانین و مقررات جاری کشور انجام می گیرد.

عواملی نظیر گریز از مالیات، احتراز از قوانین و مقررات مانع از فعالیت موردنظر، شدت حقوق کیفری، قابل اجرا بودن مقررات و قوانین

اقتصادی، میزان تحمل جامعه در برابر فساد در دستگاه های دولتی، استفاده از وسایل نامشروع برای کسب منافع و نظایر آن ها از یک سو و دسترسی نداشتن آمارگیران حساب های ملی به اندازه این گونه فعالیت ها از سوی دیگر از مهمترین دلایل پیدایش و توسعه اقتصاد زیرزمینی است. فعالیت هایی که در اقتصاد زیرزمینی انجام می گیرد شامل دو گروه مجزاست:

۱. بخش قانونی شامل فعالیت های اقتصادی تخمین ناپذیر و ثبت نشده است که در اقتصاد بیشتر کشورهای در حال توسعه دیده می شود و حتی بعضی از کشورهای توسعه یافته هم این نوع فعالیت ها را در فهرست تولید ناخالص داخلی خود ثبت نمی کنند. ارزش فعالیت هایی که اعضای خانواده بدون دریافت پول در منزل انجام می دهند (مانند پرورش کودکان، نگه داری بزرگسالان، تعمیرات ساختمان و وسایل زندگی، اصلاح سر، پخت غذا)، داد و ستد کالا و معاملات پایاپای میان افراد در زمره این گونه فعالیت ها قرار می گیرند.

۲. گروهی از فعالیت ها مانند تولید و خرید و فروش مواد مخدر، فساد اداری و پرداخت و دریافت رشوه در حین معامله با مراکز دولتی، جعل اسناد، فرار مالیاتی، اختلاس، خودفروشی، خرید و فروش اشیای عتیقه و اعضای پیوندی، پول شویی، فروش وسایل مصنوعی و نامشروع ارضای امور شهوانی و نفسانی و تولید و خرید و فروش مشروبات الکلی، کوبین فروشی و فعالیت هایی که در بازار سیاه انجام می گیرد، غیرقانونی هستند.

بررسی روند تاریخی عوامل مؤثر بر ایجاد و

گسترش اقتصاد زیرزمینی

بعد از انقلاب، دولتی شدن اقتصاد موجب گریز سرمایه گذاران از تأسیس





گسترش شکاف طبقاتی، بیکاری، بوروکراسی اداری و نبود شفافیت قوانین و ضعف در نظارت نیز زمینه مناسبی را برای گسترش انواع دیگر فعالیت‌های مرتبط با اقتصاد زیرزمینی از جمله فساد اداری، بازار سیاه، قاچاق و پول شویی فراهم کرد

۹. رشد تورم و افزایش
فاصله طبقاتی، به دلیل ضربات
وارد به بخش‌های تولیدی و
درآمدهای بادآورده‌ای که نصیب
فعالان بخش اقتصاد زیرزمینی می‌شود.

با توجه به آثار مخرب بخش اقتصاد زیرزمینی، برای بررسی کامل‌تر
موضوع بهتر است مصادیق و فعالیت‌های مرتبط با اقتصاد زیرزمینی جداگانه
مورد بررسی قرار گیرد. این مقاله بعضی از مهمترین این فعالیت‌ها مانند
قاچاق، فساد اداری، پول شویی و بازار سیاه بررسی می‌شود.

۱. قاچاق

ورود یا خروج هر کالایی از مرز کشور به طور مخفیانه و خارج از قوانین
و مقررات گمرک، قاچاق نام داد که مهمترین مصادیق آن به این شرح است:
۱. وارد کردن کالا به کشور و یا خارج کردن آن به شکل غیرمجاز
(ارائه نکردن اظهارنامه و پرداخت نکردن حقوق گمرکی و سود بازرگانی و
سایر عوارض متعلقه)؛

۲. خارج نشدن کالایی که به‌عنوان ورود موقت و یا ترانزیت خارجی وارد
کشور شده، به استناد اسناد خلاف واقع مبنی بر خروج آن از کشور؛

۳. تعویض کالای ترانزیتی و یا برداشتن از آن؛

۴. ادغام کالای اظهار نشده با کالای اظهار شده.

بررسی‌های موجود نشان می‌دهد بیشتر کالاهای قاچاق به ایران
کالاهای مصرفی لوکس، پوشاک (نو و دست دوم)، لوازم صوتی و تصویری،
قطعات و تجهیزات رایانه‌ای، سیگار، دوربین‌های عکاسی و فیلم‌برداری،
پارچه، چای و... است. در حالی که کالاهای قاچاق از ایران به خارج از کشور
بیشتر شامل فرآورده‌های نفتی، آرد گندم، دارو و کود شیمیایی گزارش شده
است.

۱-۱. عوامل مؤثر بر قاچاق

الف) فقر و بیکاری عامل مؤثری در پدیده قاچاق است. از آن جا که
بیشترین میزان بیکاری در بین مردم استان‌های مرزنشین وجود دارد،
گرفتاری و مشکلات اقتصادی موجب تشویق و اجبار آنان به روی آوردن به
قاچاق برای گذران زندگی می‌شود.

ب) عامل بعدی در خروج کالا از ایران به کشورهای دیگر مربوط به

واحدهای تولیدی بزرگ شد. همچنین مراحل وقت‌گیر اداری و محدودیت‌ها
در صدور موافقت اصولی ایجاد صنایع جدید تولیدی، سرمایه‌گذاران را به
سمت ایجاد کارگاه‌های کوچک (در زمینه تولید نان، مواد غذایی، پوشاک،
آرایشگاه زنانه، آبکاری فلزات، تولید ظروف پلاستیکی، تعمیرگاه، آموزشگاه
و...) در مخفی‌گاه‌ها، زیرزمین منازل و نقاط پرت و خارج از دید و عملکرد
ماموران دولتی ترغیب کرد.

گسترش شکاف طبقاتی، بیکاری، بوروکراسی اداری و نبود شفافیت
قوانین و ضعف در نظارت نیز زمینه مناسبی را برای گسترش انواع دیگر
فعالیت‌های مرتبط با اقتصاد زیرزمینی از جمله فساد اداری، بازار سیاه، قاچاق
و پول شویی فراهم کرد.

آثار مخرب بخش اقتصاد زیرزمینی

فعالیت‌هایی که در بخش اقتصاد زیرزمینی انجام می‌شود با ایجاد
اختلال و تحریف در تولید ناخالص داخلی، خسارت‌های فراوانی را بر پیکره
اقتصاد تحمیل می‌کند که در نهایت روند نظارت و اتخاذ سیاست‌های
اقتصادی صحیح را با مشکلات عدیده‌ای روبرو می‌کند. مهمترین آثار
نامطلوب بخش اقتصاد زیرزمینی عبارت است از:

۱. کاهش درآمدهای دولت: پنهان بودن بسیاری از درآمدها و ثبت نشدن
آن‌ها و همچنین گسترش قاچاق، درآمدهای مالیاتی و گمرکی را کاهش
می‌دهد؛

۲. افزایش هزینه‌های دولت برای تحدید و جلوگیری از اقتصاد
زیرزمینی؛

۳. ورود کالاهای خارجی حتی با کیفیت پایین بدون خدمات پس از
فروش و لوازم و قطعات یدکی؛

۴. تغییر جهت سرمایه‌گذاری‌ها به سمت واسطه‌گری و به‌کار نگرفتن
سرمایه در فعالیت‌های تولیدی واقعی به دلیل سودآوری بالای این گونه
فعالیت‌ها؛

۵. ایجاد پول‌های غیرقانونی و کثیف؛

۶. اختلال و بی‌ثباتی و برهم‌زدن تعادل بازار کالا و بازارهای مالی و
ارزی به دلیل جابه‌جایی خارج از کنترل و برنامه‌ریزی نشده حجم زیادی پول،
کالا و ارز؛

۷. خروج سرمایه و ارز از کشور؛

۸. کاهش اشتغال مولد و ایجاد شغل‌های کاذب؛

یارانه پرداختی دولت به صورت ارزی - ریالی است که موجب پایین آمدن قیمت کالاهای اساسی یارانه‌ای در ایران نسبت به کشورهای همجوار شده است. به عنوان مثال بررسی‌ها نشان می‌دهد کل فرآورده‌های نفتی که در ایران با قیمت‌های ترجیحی مصرف می‌شوند در بازارهای بین‌المللی ۱۲ میلیارد دلار گران‌تر خرید و فروش می‌شود.

ج) مهم‌ترین دلیل قاچاق کالا از سایر کشورها به ایران ممنوعیت رسمی واردات کالاها و نرخ بالای حقوق و عوارض گمرکی واردات آن‌هاست.

د) محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های واردات کالا در قوانین و مقررات و همچنین نرخ‌های بالای گمرکی و سود بازرگانی یکی دیگر از عوامل گسترش قاچاق کالا است. اصولاً دولت برای این که از تولید برخی کالاها ساخت داخل حمایت کند بر واردات این گونه کالاها حقوق و عوارض گمرکی و سود بازرگانی بالایی در نظر می‌گیرد. این حمایت‌ها در بلندمدت زیان‌های غیرقابل جبرانی به اقتصاد کشور وارد کرده است. نخست این که موجب می‌شود تولیدکنندگان داخلی به دنبال تولید با هزینه کمتر و کیفیت بالاتر نباشند. دوم، با توجه به تقاضای زیاد برای این گونه کالاها در بازار داخلی و تفاوت بالای قیمت کالای وارداتی از طریق قاچاق در مقایسه با واردات قانونی، این کالاها بیشتر به صورت قاچاق وارد کشور می‌شود.

۱-۲. روش‌های مقابله با قاچاق

برای مبارزه با قاچاق قوانین متعددی وجود دارد:

الف) قوانین مجازات افرادی که قاچاق

می‌کنند.

ب) قانون امور گمرکی.

ج) قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی

راجع به قاچاق کالا و ارز.

قاچاقچی با در نظر گرفتن

ریسک به دنبال افزایش سود خود

است. بنابراین برای مبارزه با قاچاق باید سود

قاچاقچی کاهش و ریسک قاچاق را افزایش داد. به این

ترتیب می‌توان انگیزه اقتصادی انجام قاچاق را از بین

برد و یا آن را کاهش داد. راهکارهای مقابله با قاچاق

کالا را باید با اقدام‌هایی که منجر به افزایش



هزینه ورود (خروج) کالا به صورت غیرقانونی شده و همچنین سبب کاهش هزینه ورود (خروج) کالا به صورت قانونی می‌شوند، دنبال کرد.

مهم‌ترین راهکارهای مقابله با قاچاق عبارت‌اند از: اعمال نگرشی فرایندی در مبارزه با قاچاق (مراحل ورود، خروج، حمل، نگاه‌داری، توزیع و عرضه) با لحاظ مقتضیات زمان و مکان، تجهیز این دستگاه‌ها از نظر نرم‌افزاری و نیروی انسانی به منظور مبارزه با قاچاق کالا در بخش‌های عملیاتی و اطلاعاتی، شناسایی شبکه‌های قاچاق و برخورد قانونی با آنان با استفاده بهینه از ظرفیت‌ها و امکانات موجود کشور، اعمال سیاست‌های بازدارنده مناسب در برخورد با قاچاقچیان به ویژه موارد مهم تعیین و تصویب اولویت‌های کالایی در امر مبارزه با قاچاق کالا، برخورد قانونی قاطع و روشمند با این پدیده در تمامی فرایندها و تعزیر متخلفان و تعیین راهکارهای فرهنگی، ترویجی و تبلیغی مبارزه با قاچاق کالا.

اهم سیاست‌ها در ریشه‌کنی معضل قاچاق در ایران به این شرح است: تدوین و برخورداری از برنامه‌ای دائمی و زیربنایی در اقتصاد با نگاه به آینده و لحاظ عرضه و تقاضا در آن.

ب. برخورداری دستگاه‌های ذی‌ربط از نظام نظارت قوی و قانونمند، بدون تأثیر از عوامل بیرونی همچون تطمیع و رشوه.

ایجاد فرهنگ صحیح ساخت محصولات، کالاها و مایحتاج عمومی مرغوب و استاندارد و قابل رقابت با انواع مشابه خارجی آن، تا بتوان با اتکا به شعار "ایرانی کالای ایرانی بخر" با افتخار شاهد رشد و شکوفایی اقتصادی کشور به عنوان اصلی‌ترین اولویت جامعه باشیم.

در مورد استان هرمزگان، وجود حدود ۹۰۰ کیلومتر مرز آبی در کناره‌های خلیج فارس و دریای عمان و نزدیکی با یکی از مراکز بازرگانی منطقه، این استان را به یکی از مناطق مستعد فعالیت‌های مرتبط با قاچاق تبدیل کرده است. به همین دلیل تجهیز نوار ساحلی به امکانات پیشرفته به ویژه شناورهای مناسب و تأسیسات راداری الزامی است.

۲. فساد اداری

فساد مالی و اقتصادی عبارت است از نقض

قوانین موجود برای تأمین منافع و

سود شخصی. در فرهنگ لغات "وبستر"

درجه بالای فساد مالی می تواند به ناکارآمدی سیاست های دولتی منجر شود پژوهش ها نشان می دهد فساد به کاهش سرمایه گذاری و در نتیجه کاهش رشد اقتصادی می انجامد فساد مالی می تواند فعالیت های اقتصادی را از مولد بودن به سوی رانت ها و فعالیت های زیرزمینی سوق دهد فساد مالی موجب پیدایش سازمان های هراس انگیزی همچون مافیا می شود

هم در عرصه سیاسی و هم در عرصه اقتصادی وجود دارد. جریان های بانفوذی که منافع شان به این گونه انحصار بستگی دارد علت اصلی بروز فساد اقتصادی هستند.

از سویی فساد اقتصادی نیز می تواند مایه فساد اجتماعی باشد. در پژوهشی که پارلمان ایتالیا در ۱۹۹۳ درباره فساد مالی مافیا انجام داد مشخص شد^۲ اعتقاد به این که "دیگران هم همین کار را می کنند" از دلایل افزایش فساد مالی بوده است. بنابراین رفتار فساد آلود مقامات دولتی تأثیری فراتر از پیامدهای مستقیم آن رفتار دارد. به عبارت دیگر یکی از علل گسترش فساد خاصیت مسری بودن آن است.

۲. شفاف نبودن نظام بودجه بندی: نبود انضباط مالی و نهادینه نشدن اصل پاسخ گویی در نظام بودجه بندی سبب ائتلاف منابع، کاهش کارایی و فساد مالی می شود و از توان دولت در هدایت درست منابع می کاهد.

۳. ضعف شایسته سالاری: یکی از نقاط ضعف کشورهای عقب مانده از قافله تمدن و توسعه یافتگی بی توجهی به توانمندی و شایستگی افراد آن جامعه است، این معضل به گرمی بازار چاپلوسی و ریاکاری خواهد افزود و بهترین فضا را برای فساد فراهم خواهد کرد.
در ضمن در فضای سنتی، ناکارآمد و غیر شفاف اداری زمینه فساد بیشتر است.

۲-۳. راهکارهای مبارزه با فساد اداری

الف) مهندسی مجدد ساختار اقتصادی کشور: ساختار اقتصاد باید به گونه ای تنظیم شود که با نظارت مستقیم مجلس و همچنین مطبوعات و افکار عمومی بتواند از پنهان کاری در روابط اقتصادی جلوگیری کند. با اصلاح ساختارهای سازمانی و قوانین امکان کاهش زیان های ناشی از فساد پدید می آید. افزون بر اصلاحات نهادی، اصلاحات ساختاری در حوزه هایی چون نظام مالیاتی، قوانین ناظر به معاملات خصوصی و اجرای پروژه های زیربنایی با مسؤلیت دولت ضروری به نظر می رسد. به هر حال مبارزه با فساد جدا و مستقل از مهندسی مجدد دولت (حاکمیت) نیست.

ب) انحصار شکنی در عرصه اقتصاد و سیاست: از آن جا که مفاهیم انحصار و فساد، همراهی و همبستگی نزدیکی با یکدیگر دارند بنابراین هرگونه اقدام اصلاحی که شرایط رقابتی را در اقتصاد افزایش دهد به کاهش انگیزه در ارتکاب فساد می انجامد. برای مثال، براساس گزارش های مستند بیشتر تخلفات در بخش بازرگانی ناشی از دولتی بودن نظام توزیع، نظام

فساد به صورت پاداش نامشروع برای وادار کردن

فرد به تخلف از وظیفه تعریف

شده است. بنابه تعریف بانک جهانی، "فساد، سوء

استفاده از قدرت دولتی برای تأمین منافع شخصی است". روشن است که همیشه سوء استفاده از قدرت و امکانات دولتی فقط برای تأمین منافع شخص نیست بلکه می تواند در راستای تأمین منافع یک حزب و تفکر سیاسی خاص، طبقه خاص، دوستان، فامیل و... باشد. فساد به طور کلی در ارتباط با فعالیت های دولتی و برای برخورداری برخی مدیران و کارکنان از اختیارات انحصاری تعریف شده است.

۲-۱. ضرورت مبارزه با فساد

درجه بالای فساد مالی می تواند به ناکارآمدی سیاست های دولتی منجر شود. پژوهش ها نشان می دهد فساد به کاهش سرمایه گذاری و در نتیجه کاهش رشد اقتصادی می انجامد. فساد مالی می تواند فعالیت های اقتصادی را از مولد بودن به سوی رانت ها و فعالیت های زیرزمینی سوق دهد. فساد مالی موجب پیدایش سازمان های هراس انگیزی همچون مافیا می شود. فساد گسترده و فراگیر یکی از نشانه های ضعف حاکمیت است، که می تواند به طور مستقیم روند رشد و توسعه اقتصادی را نیز رو به تحلیل برد.

۲-۲. علل و عوامل فساد

اکنون به مهمترین علل و عواملی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در پیدایش و گسترش فساد مالی و اداری مؤثر است اشاره می شود:

۱. انحصار قدرت و دسترسی به اطلاعات رانتی: ساختار انحصاری قدرت در دولت (حاکمیت)، امکان مداخله خودسرانه در فعالیت های اقتصادی را به دست اندرکاران می دهد. برخورداری از چنین قدرتی در کنار دسترسی به اطلاعاتی که در اختیار عامه مردم نیست به ایجاد فرصت هایی برای مقامات دولتی می انجامد تا بتوانند منافع خود یا دوستان و نزدیکان شان را به بهای کاهش منافع عمومی افزایش دهند. از منظر سیاسی، انگیزه رفتار آلوده به فساد زمانی پدید می آید که مقامات دولتی به رغم اختیارات زیاد، مسؤلیت چندانی در برابر کارهای خود نداشته باشند، در همین راستا نمی خواهند فعالیت های شان کاملاً شفاف باشد زیرا شفافیت بیشتر می تواند با قدرت کمتر همراه باشد. فساد اقتصادی معلول فساد سیاسی است. انحصار

جیره‌بندی (کالاهای کوپنی) و انحصار دولت در واردات کالاهای اساسی است. بنابراین سیاست‌هایی که دخالت دولت در بازرگانی خارجی را کاهش دهد و نگاه‌های دولتی را به رقابت با بخش خصوصی وانی دارد به کاهش فساد کمک می‌کند. نکته دیگر این که اصولاً سهمیه‌بندی در اقتصاد همواره با فساد همراه بوده است، در این راستا اگر نظام پرداخت یارانه‌ها هدفمند شده و به صورت تدریجی حذف شود، هر گونه رشوه‌خواری در این حوزه نیز از میان خواهد رفت.

ج) تثبیت حاکمیت قانون، تضمین و افزایش شفافیت‌ها: استحکام، جامعیت و قدرت اجرایی قوانین و به طور کلی تلاش برای نهادینه کردن حاکمیت قانون در جامعه، فرصت را از رانت جویان و اخلاص‌گران خواهد گرفت.

به منظور پی‌گیری اجرای درست قوانین، نقش کنترل‌های نهادی اهمیت می‌یابد و تا حد زیادی رفتار بدنه سیاسی حاکمیت را در مواجهه با مسأله فساد نشان می‌دهد. بازرسان و ناظران درستکار و کارآمد، کارکنان دقیق، قوانین شفاف، کشف و حذف فعالیت‌های فسادزا را تسهیل می‌کنند. قوه قضاییه مستقل از جریان‌های سیاسی، با قدرت کافی در اجرای قوانین و برخورداری از سازمان‌دهی کار، در تکمیل چرخه اجرای قانون نقش مهمی بازی می‌کند.

شفاف‌سازی علاوه بر رفع ابهام و نارسایی قوانین، شامل حساب‌های مالی و اطلاع‌رسانی به مردم در این مورد و تضمین آزادی نهادهای مدنی و مطبوعات برای ورود به این عرصه‌هاست. اطلاعات نهادی برای افزایش شفافیت‌ها و پاسخ‌گویی بخش دولتی و کمک به سازمان‌های مستقل برای فسادزدایی ضروری است.

د) سایر عوامل مبارزه با فساد: وجود نظام‌های شفاف از نظر قوانین و مجازات‌ها در کنار اقدام‌های جدی می‌تواند الگوهای رفتاری را تغییر دهد. دولت باید مبارزه با فساد را در عمل هم جدی بگیرد تا بتواند اعتماد مردم را در این مورد جلب کند و از همکاری آنان بهره‌گیرد و با هدایت الگوها و ارزش‌های حاکم بر جامعه برای مبارزه با فساد بکوشد.

نظام آموزش به عنوان مهمترین بستر برای اجرای راهکارهای فرهنگی و اجتماعی باید مورد عنایت ویژه قرار گیرد. مواردی چون افزایش آگاهی‌های عمومی و تقویت ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی مانند مناعت، طبع، قناعت، پاسخ‌گویی، انتقادپذیری، احترام به قانون، رعایت حقوق دیگران، وظیفه‌شناسی و نظم‌پذیری باید در وجود دانش‌آموزان نهادینه شود.

۳. پول شویی

پول شویی (تطهیر پول) به عنوان یکی از عناصر اقتصاد زیرزمینی عملی است که آگاهانه موجب تبدیل یا اختفای منشاء پول نامشروع به مشروع می‌شود؛ به عبارت دیگر اقدامی است برای استفاده قانونی از پول‌های کثیف (حاصل از فعالیت‌های غیرقانونی به ویژه قاچاق و فساد مالی) که روند طبیعی فعالیت‌های اقتصادی را به مخاطره می‌اندازد. در این تعریف سه مؤلفه اساسی مؤثرند:

الف) عمل: تبدیل، انتقال یا اختفای عناصر مالکیت مال حاصل از فعالیت مجرمانه.

ب) نیت: آگاهی نسبت به این که مال موردنظر از فعالیت مجرمانه حاصل شده است.

ج) هدف: مخفی کردن منشاء نامشروع مال و یا کمک به فعالیت مجرمانه.

با توجه به آمارهای جهانی سالانه ۵۰۰ تا ۱۵۰۰ میلیارد دلار درآمد ناشی از خرید و فروش مواد مخدر و سایر جرایم سازمان‌دهی شده در سطح جهان به روش‌های مختلف به دارایی‌های قانونی تبدیل می‌شود.

۱-۳. مراحل پول شویی

الف) جای‌گذاری یا مکان‌یابی: با محدودشدن انجام معاملات به فقط از طریق نظام بانکی، پول شویان و متخلفان تلاش می‌کنند که پول نقد خود را وارد نظام بانکی کرده و آن را تبدیل به دارایی مالی کنند، به این تلاش "مکان‌یابی" می‌گویند.

ب) لایه چینی یا پنهان‌سازی: متخلفان پول خود را در بورس تبدیل به سهام کرده و وقتی که این سهام فروخته شود جای پای پول از بین می‌رود.

ج) یکپارچه‌سازی یا ادغام: وجوه نامشروع را با پول‌های حاصل از فعالیت‌های مشروع به گونه‌ای ادغام می‌کنند که جداسازی درآمد مشروع و نامشروع آن‌ها غیرممکن باشد.

۲-۳. آثار مخرب پول شویی

پول شویی آثار و تبعات زیان‌باری بر اقتصاد کشور تحمیل می‌کند که اهم آن‌ها عبارت‌اند از: اخلاص و بی‌ثباتی در اقتصاد و برهم‌زدن تعادل بازار، کاهش کنترل دولت بر سیاست‌های اقتصادی با توجه به آثار گردش خارج از کنترل و برنامه‌ریزی نشده حجم زیاد پول، تغییر جهت سرمایه‌گذاری‌ها به سمت فعالیت‌های غیرتولیدی، خروج سرمایه از کشور، تضعیف بخش خصوصی، تضعیف امنیت ملی، تضعیف یکپارچگی و تمامیت بازارهای مالی، کاهش درآمد دولت از نظر درآمدهای مالیاتی.

۳-۳. مزایا و روش‌های مقابله با پول شویی

با توجه به آثار مخرب پول شویی، اهمیت برنامه‌های مبارزه با این پدیده شوم بیشتر درک می‌شود. مزایای مبارزه با پول شویی را می‌توان چنین بیان کرد:

نظام آموزش

به عنوان مهمترین بستر

برای اجرای راهکارهای فرهنگی و اجتماعی

باید مورد عنایت ویژه قرار گیرد

مواردی چون افزایش آگاهی‌های عمومی

و تقویت ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی

مانند مناعت، طبع، قناعت، پاسخ‌گویی،

انتقادپذیری، احترام به قانون،

رعایت حقوق دیگران، وظیفه‌شناسی

و نظم‌پذیری

باید در وجود دانش‌آموزان

نهادینه شود

نقل و انتقال وجوه حاصل از خرید و فروش مواد مخدر با مشکل مواجه شده و امکان ردیابی شبکه‌های اصلی قاچاق کالا و مواد مخدر تسهیل می‌شود. مبارزه با قاچاق و اقتصاد زیرزمینی از حالت کنترل فیزیکی به کنترل مالی تبدیل شده که فرار از آن کار پیچیده‌ای خواهد بود.

اثبات جرایم سازمان یافته در مراجع قضایی آسان خواهد شد. امکان فرار مالیاتی و خروج سرمایه از کشور کاهش می‌یابد و به این وسیله امکان برنامه‌ریزی و اتخاذ تدابیر اقتصادی را تسهیل می‌کند.

تصویب قانون مبارزه با پول شویی یکی از اقدام‌های مفید و زیربنایی دولت برای ریشه‌کنی فعالیت‌های غیرقانونی و نامشروع مرتبط با بخش اقتصاد زیرزمینی است. اجرای این قانون نه تنها امنیت سرمایه را به خطر نمی‌اندازد بلکه می‌تواند به برقراری امنیت و ثبات اقتصادی کشور منجر شود.

لایحه مبارزه با پول شویی که به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه شد حاوی نکات ارزنده‌ای از جمله ضرورت جلوگیری از تبدیل، نقل و انتقال و پذیرش یا تسلک دارایی‌ها با منشاء غیرقانونی، ضرورت نظارت مؤثر و کارآتر بر گردش پول و کالا، ارتقای سطح شفافیت و انضباط مالی در اقتصاد کشور به منظور اتخاذ فرآیندی منسجم برای مبارزه با جرم پول شویی و رفع مشکلات، نیازها و نارسایی‌های قانونی مربوطه در راستای حمایت از هرگونه فعالیت اقتصادی سالم است.

برای اجرای موفق قانون پول شویی تمهید برخی زیرساخت‌ها و قوانین الزامی است که در زیر ارائه می‌شود:

انجام کلیه معاملات بیش از یک سقف تعیین شده، الزاماً باید از طریق بانک‌ها صورت گیرد.

تلاش برای ملزم کردن کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی به ثبت صحیح فعالیت‌های اقتصادی خود.

مجهر کردن نظام بانکی برای پاسخ‌گویی به نیازهای مردم از جمله خصوصی‌سازی بانک‌ها در کوتاه‌مدت.

۴. بازار سیاه:

تعیین قیمت و عرضه کالاها به صورت سهمیه‌ای در ایران سابقه‌ای طولانی دارد. به عنوان مثال در دوره جنگ جهانی دوم توزیع کالاها مهم از قبیل نان و قند و شکر از کوپن استفاده می‌شد تا مقدار خریداری شده از این کالاها با قدرت خرید مردم متناسب شود و همه مردم بتوانند از آن بهره‌مند شوند. از زمان وقوع حمله عراق به ایران نیز تاکنون تعدادی از کالاها مورد نیاز عموم زیر قیمت تعادل عرضه می‌شود. برای اجرای روش تعیین سهمیه و جیره‌بندی دولت خود نظام توزیع را طراحی و اجرا می‌کند. هنوز از خاطره‌ها نرفته است دوره‌ای که برنج، شکر، قند، پنیر، مرغ، گوشت، روغن و... همگی کوپنی بود و سیگار، شیر خشک، یخچال، فریزر، گاز، فرش و... به صورت سهمیه‌ای به مردم تعلق می‌گرفت. بازار سیاه کالاها پررونق بود و بخشی از انواع کالاهایی که با سهمیه دولتی به مردم تعلق می‌گرفت در بازار سیاه به فروش می‌رسید. مبارزه با گران‌فروشی و محتکران نیز از تصمیم‌های شاخص چنین دورانی است.

از آنجا که در طراحی نظام توزیع، سهمیه افراد و خانوارها دقیقاً منطبق بر ترجیحات آن‌ها نیست، بنابراین عده‌ای از تقاضاکنندگان که نیازشان رفع نشده، حاضرند کالا را با قیمت بالاتر از قیمت تعیین شده خریداری کنند. این جاست که رقابت بین تقاضاکنندگان زمینه را برای

ایجاد بازار سیاه و خرید و فروش غیررسمی فراهم می‌آورد. البته بازار سیاه همواره مذموم نیست به عنوان مثال در روش تعیین قیمت به صورت جیره‌بندی از آنجا که محدودیت خانوارهای با درآمد بالا تعداد امتیازات کوپن است و نه میزان درآمد ولی برای خانوارهای با درآمد کم این مسأله برعکس است، بنابراین خانوارهای با درآمد بالا دارای درآمد اضافی‌اند در حالی که خانوارهای کم درآمد دارای کوپن اضافی هستند. به همین دلیل بروز بازارهای سیاه اجتناب‌ناپذیر است و نظم و رسمیت بخشیدن به امکان این مبادله بهتر از منع قانونی آن است، زیرا باعث انتقال درآمد از اغنیا به سمت اقشار کم درآمد می‌شود. با این روش انجام این گونه فعالیت‌ها به صورت شفاف صورت می‌گیرد و بنابراین مشمول فعالیت‌های بخش اقتصاد زیرزمینی نخواهد بود.

در زمینه کنترل و تثبیت قیمت‌ها که در مورد نان، ارز، سیمان و بسیاری از کالاها تاکنون اعمال شده است، لازم به ذکر است در صورتی که قیمت کالا برای مدتی ثابت نگه داشته شود در حالی که هزینه تولید به علت افزایش قیمت نهاده‌ها و عوامل تولید بالا برود، ادامه تولید در قیمت ثابت امکان‌پذیر نیست و عرضه‌کنندگان سعی می‌کنند هزینه تمام شده تولید را حتی به بهای کاهش کیفیت کالا (به علت استفاده از نهاده‌های جانشین نامرغوب) کاهش دهند. بنابراین برای اجرای مطلوب این سیاست دولت باید از طرق مختلف مانند بازگرداندن تفاوت بهای قیمت بازار و قیمت تعیین شده به تولیدکننده، عرضه مواد اولیه و نهاده‌های یارانه‌ای مانند ارز با قیمت پایین‌تر، پرداخت اعتبارات با میزان بهره پایین‌تر به تولیدکنندگان، اجازه تولید با استفاده از ظرفیت تولیدی مازاد بر برنامه و تعهدات سالانه با استفاده از مواد اولیه غیریارانه‌ای و فروش آن در بازار داخلی و خارج با قیمت آزاد، همزمان سیاست‌های جبرانی را اجرا کند. لازم به ذکر است پایین نگه داشتن سطح قیمت در بلندمدت باعث کاهش انگیزه تولید، عقب افتادگی فن‌آورانه، کاهش عرضه محصول، اتکالی به واردات به منظور مقابله با کمبودها، ایجاد زمینه برای سوء استفاده و فساد در مسیر توزیع، افزایش ضایعات، استفاده نادرست و قاچاق این نوع کالاها می‌شود. بنابراین اجرای این سیاست ضمن این که هزینه‌هایی را بر دولت تحمیل می‌کند، آثار نامطلوبی نیز بر تخصیص منابع دارد، به همین منظور دولت‌ها در برنامه‌های تعدیل اقتصادی افزایش سطح قیمت این گونه کالاها را در پیش گرفته‌اند.

پی‌نوشت:

۱. در کشورهای پیشرفته این گونه فعالیت‌ها معمولاً در بازار انجام می‌گیرد. به عنوان مثال صرف غذا در رستوران، پرورش کودکان در مهدهای کودک و نگهداری بزرگسالان در خانه سالمندان انجام می‌شود. به همین دلیل نیز در محاسبه تولید ناخالص داخلی وارد می‌شود.
۲. ماهنامه اطلاعات سیاسی. اقتصادی. شماره نهم و دهم، خرداد و تیر ۱۳۸۲.